**بسم الله الرحمن الرحیم**

**ظنون**

**حجیت ظنون**

**حجیت ظواهر**

**قول لغوی**

**جلسه شست و یکم\_ سه­شنبه 8 اسفند 1396**

برای اثبات حجیت قول لغوی راه دیگری را برخی فرموده­اند که در مصباح الاصول مطرح شده است، این راه هم باز استفاده کرده است از مقدمات دلیل انسداد، و آن این است که یکی از مقدمات انسداد، این است که نمی­شود در همه جا به برائت مراجعه کرد، چون اولاً اگر اقتصار کنیم، به قدر متیقن مثلا در نماز، و اکتفا کنیم به اجزا و شرایطی که علم به وجودش داریم و در بقیه موارد به برائت مراجعه کنیم، این نماز دیگر نماز نخواهد بود و کذلک الحال در بقیۀ عبادات و معاملات، پس نمی­توان به برائت مراجعه کرد، باید ظنون را حجت کنید، ثانیا مراجعه کردن به برائت باعث می­شود مخالفت قطعیه را با علم اجمالی نسبت به وجود تکالیف الزامی چه وجوبی و چه تحریمی در مواردی که جهل به احکام داریم لذا نمی­توان به برائت مراجعه کرد، باید سراغ ظنون برویم.

حال این تقریر از حجیت قول لغوی می­گوید در مورد قول لغوی، آن امر اول منتفی است. یعنی اگر ما در علم لغت انسدادی شدیم، برائت را جاری کردیم، خروج از دین لازم نمی آید ولی امر دوم لازم می آید و هو المخالفة القطعیه لانّ غالب الالفاظ الواردة فی الکتاب و السنة مجهولة المعانی، در عین اینکه علم اجمالی داریم به وجود تکالیف الزامی، برای اینکه محذور دوم لازم نیاید، ناچاریم که از باب ظنون به قول لغوی عمل کنیم.

در مصباح الاصول جواب داده است که شما یک مقدمه ایی را فرض کرده اید و ان مقدمه این بود که کثیری از الفاظ وارده در کتاب و سنت مجهولة المعانی هستند، این از کجا ؟ اتفاقا بر عکس است. الفاظی که حد و مرز معانی آن ها مجهول است کم است و اگر شما برائت جاری کنید محذور مخالفت عملیه لازم نمی آید.

این اولا.

ثانیا مقدماتی که انسدادیون برای حجیت ظن مطرح می کنند، فقط عدم امکان اجرای برائت نیست، یک مقدمه دیگر هم دارند و ان عدم امکان احتیاط است چون مکلف قادر به احتیاط در مجموعه احکام نیست. حال که احتیاط نه آن وقت ظنون آری. پس چایی می توان رفت سراغ ظنون که احتیاط به این مشکلات بخورد اما اگر بر نخورد لازم نیست دیگر سراغ ظنون برویم.

این هم توضیح کامل فرمایش ایشان در مصباح الاصول.

من چند سوال مطرح می کنم روی این سوال ها تامل کنید، و جواب اش را برای جلسه اتی بیاورید:

1. مراد از حجیت چیست؟ یعنی تعبدا بپذیریم؟ و لو برای خودتان هیچ اطمینانی حاصل نمی­شود؟
2. اگر می گویید حجیت قول لغوی، از باب رجوع به متخصص است، مثل این است که به مقوم رجوع می کنیم قیمت کالا را می­بینیم؟ و لو برای شما از قول او هیچ اطمینانی هم نیاید؟
3. مراد از قول لغوی چیست؟ آن بخش­هایی که لغوی نقل معنا می­کند عن حس یا حتی آن مواردی که لغوی استنباطاتی را هم بیان می­کند؟
4. مراجعه می­کنید به لغوی به چه منظور؟برای تشخیص موضوع له؟ برای تشخیص موارد استعمال؟ یا برای تشخیص ظهور؟ و به عبارت دیگر سوال این است آیا قول لغوی منشأ ظهور هست یا نیست؟
5. مدرک اعتبار قول لغوی اگر بنا عقلا هست، آیا برای تثبیت این بنای عقلایی، امضاء معصوم را نیاز داریم یا نداریم؟ اگر محتاج به امضاء معصومیم، آیا اساسا این سیره و این بناء در زمان معصوم بوده تا امضا محقق شود یا نه؟
6. اگر به لغوی مراجعه کردید، قول او را از باب متخصص پذیرفتید، آیا این تقلید یک مجتهد در مبانی اجتهاد و مقدمات اجتهاد نیست؟ چطور او را مجتهد بدانیم و حال که خود او مقلد لغویین شده است؟
7. آیا برای ما در این عصر و زمان که از عصر صدور روایات دوریم، مراجعه به لغت می­تواند معنای زمان صدور را هم درست کند؟ منشأ ظهور برای آن زمان هم باشد یا نه؟
8. آیا قول لغوی به عنوان یک قرینه باید به حساب بیاید یا یک مدرک اساسی به تنهایی؟ منظور این است که فقیه باید ظهور درست کند و این ظهور فقط مدیون لغت نیست، باید به خود قرآن و خود روایات هم مراجعه کرد تا معانی الفاظ را در قرآن و روایات استنباط کردف چه بسا یک معنایی برای لغتی بیان می شود که و قتی به قرآن و روایات مراجعه می کنیم حد اقل در سعه و ضیق معنای لغوی دخیل است.

آیا کلمۀ "ذنب" در قرآن به معنای گناه است تا بیاییم توجیه کنیم؟ یا کلمۀ ذنب در قرآن به معنای حصه خاصی است از شیء دنباله دار.

یا کلمۀ غنا باید ببینیم آن چیزی که شارع به آن غنا اطلاق کرده است چیست؟ لذا نباید فقیه خود ایات و روایات را کنار بگذارد.

این سوالاتبا هم مترتب است می توانید یک تحلیل بکنید که یک جا این سوالات پاسخ داده شود ولی تا این نقاط ابهام و سوال بر انگیز پاسخ داده نشود بحث حجیت لغوی در حاله ایی از ابهام می ماند.

حال من تقاضا می کنم برای پاسخ گویی تنها به کتب اصولی مراجعه نکنید و یک مقداری این چند کتاب را مطالعه کنید شاید از مطالعه این کتاب ها یک سر نخ هایی بدستان بیاد:

کتاب العین، مفردات راغب، مصباح فیومی، صحاح اللغة، نهایه ابن اثیر، اساس البلاغة زمخشری، لسان العرب، مقاییس اللغة.

یک لغت را مقایسه کنید، ببینید چگونه می توان به کتب لغت مراجعه کنید، این را هم عرض کنیم که بعضی از بزرگان در تقریرات اصولشان فرموده اند علما در علم اصول نافی حجیت قول لغوی اند ولی به فقه که می رسند عمل می کنند به قول لغوی. گویا آن مبنای اصولی خود را فراموش نموده اند ما معتقدیم چنین نیست بلکه آن ها نخواستند بگویند ما به لغت هیچ کاری نداریم. می خواهند حجیت قول لغوی را بزند و فرق است بین این دو و سر این مطلب هم در پاسخ این سوالات که گفتیم.

**و صلی الله علی محمدٍ و آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.**